



حرکت خزنه رژیم صهیونیستی برای انتقال نفت عراق به سرزمین‌های اشغالی

تردیدی نیست که رژیم صهیونیستی پس از صدام در عراق به دنبال نقش آفرینی است...

تردیدی نیست که رژیم صهیونیستی پس از صدام در عراق به دنبال نقش آفرینی است اما با توجه به مخالفت‌های مردمی و شرایط نامساعد با موانع متعددی مواجه است که انتقال نفت از عراق به سرزمین‌های اشغالی رویایی بیش نیست. به گزارش فارس، پایگاه خبری روزنامه «آوینه« که در کردستان منتشر می‌شود، هفته گذشته در خبری نوشت: «فلاح مصطفی«، مسئول روابط خارجی منطقه کردستان عراق، در گفت‌وگو با «کلیفورد مایو«، روزنامه‌نگار آمریکایی روزنامه نیویورک تایمز گفت که ما با رژیم صهیونیستی هیچ مشکلی نداریم. این روزنامه کردی که در شهر سلیمانیه منتشر می‌شود، در شماره اخیر خود، اظهارات جنجالی این مقام ارشد کرد عراقی را منتشر کرده و به نقل از وی مدعی شده است: کردستان عراق، هیچ مشکلی با اسرائیل ندارد. گفته می‌شود که حدود 100 هزار کرد ساکن سرزمین‌های اشغالی هستند و در منطقه اقلیم نیز نیروهای جاسوسی و امنیتی رژیم صهیونیستی به راحتی رفت‌وآمد می‌کنند.

این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که در روزهای اخیر، نه تنها مسلمانان بلکه در همه نقاط جهان، اعتراض‌های شدیدی به رژیم صهیونیستی به سبب حمله ناجوانمردانه‌اش به کاروان حامل کمک‌های انسانی به غزه موسوم به «کاروان آزادی« شده و بیان چنین سخنانی، آن هم از سوی مقام بلندپایه منطقه‌ای - که اکثریت جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند - بسیار تأسفار است.

رژیم صهیونیستی از جمله طرف‌هایی است که علی‌رغم عدم مشارکت عینی در حمله نظامی آمریکا به عراق، چه در تقویت انگیزه دولت آمریکا به منظور اقدام نظامی علیه این کشور و چه در تحولات داخلی عراق در دوره پس از صدام فعالانه نقش ایفا کرده است، در مورد کم و کیف تأثیرگذاری این رژیم بر تحولات اخیر اظهارنظری‌های متفاوتی شده است، علی‌رغم اینکه هیچ‌کس در مورد نقش آفرینی صهیونیست‌ها در عراق تردیدی ندارد، اما برخی تحلیلگران این نقش را بسیار پررنگ‌تر از تصور رایج عموم تلقی می‌کنند برای مثال آنتونی زینی فرمانده سابق ارتش آمریکا در این زمینه طی اظهاراتی در شبکه آمریکایی CBS چنین می‌گوید: «بدترین رازی که در واشنگتن وجود دارد این است که نوحافظه‌کاران، جنگ علیه عراق را برای خدمت به اسرائیل به راه انداخته‌اند.« اگرچه چنین سخنانی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسند، اما حداقل گویای نقش نسبتاً پررنگ صهیونیست‌ها در تحولات جدید عراق می‌باشند. اظهارات این مقام کرد عراقی باعث شد که فرصت را غنیمت شمرده و به منظور درک بهتر این موضوع به بررسی تفصیلی حضور رژیم صهیونیستی در شمال عراق و فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی این رژیم بپردازیم:

رژیم صهیونیستی و عراق پس از صدام

به دنبال سقوط رژیم بعثی عراق، تحرکات آشکار و پنهان صهیونیست‌ها در عراق آغاز شد. مقامات تل آویو سعی داشتند با تمام توان تحولات عراق پس از صدام را در راستای منافع این رژیم سوق دهد، اما با این حال، در عمل تحولات مزبور آنچنان که باب طبع آنها باشد، پیش نرفته و موانع دست و پاگیری بر سر راه آنها قرار گرفته است.

* فرصت‌های پیش‌روی رژیم صهیونیستی در عراق جدید

به طور کلی سقوط رژیم بعث شرایط امنیتی منطقه را اندکی در راستای خواسته‌های رژیم صهیونیستی سوق داد. به ویژه در ماه‌های اولیه پیروزی اشغالگران، چنین تغییراتی نمود بیشتری داشت، عمده‌ترین فرصت‌های ناشی از شرایط جدید عراق را می‌توان چنین برشمرد:

1- برجسته‌تر شدن نقش آمریکا و انگلیس در ترتیبات امنیتی منطقه

در میان کشورهای منطقه آتلانتیک این دو کشور به ویژه آمریکا نزدیک‌ترین پیوند را با رژیم صهیونیستی دارند. تل آویو نیز طبیعی است که پررنگ‌تر شدن حضور این قدرت‌ها در منطقه استقبال نماید. از آنجا که کشورهای قاره‌ای عضو اتحادیه اروپا در مقایسه با آمریکا و انگلستان، از خواسته‌های اعراب در برابر اسرائیلی‌ها بیشتر حمایت می‌کنند، رژیم صهیونیستی نیز عمدتاً با دخالت چنین کشورهایی در مناقشه اعراب اسرائیل موافق نیست، آمریکایی‌ها از ایده خاورمیانه جدید که طبق آن یک منطقه‌گرایی اقتصادی با محوریت رژیم صهیونیستی شکل خواهد گرفت و به تدریج با تقویت جایگاه این رژیم به افول چالش‌های ضدصهیونیستی منجر خواهد شد، حمایت کرده و در حال حاضر نیز به انحاء مختلف آن را پی‌گیری می‌کنند.

طرح خاورمیانه بزرگ آمریکایی‌ها از جمله طرح‌هایی بود که با تعریف عراق به عنوان سکوی گسترش سکولاریزم و تساهل در منطقه همسو با ایده خاورمیانه جدید مورد نظر رژیم صهیونیستی ترسیم شده بود که نتیجه چندان‌ی در بر نداشت.

2- تضعیف موقعیت استراتژیک ایران و سوریه

با سقوط یک حکومت ضدصهیونیستی و جایگزینی یک حکومت مسالمت‌جوی تحت نفوذ آمریکا و انگلستان شرایط استراتژیکی منطقه تا حدودی طبق خواسته رژیم صهیونیستی تغییر کرد، چرا که با تسهیل شرایط حضور عوامل اسرائیل در عراق همراه با حضور

اشغالگران، تسلط صهیونیست‌ها بر کانون‌های ضدصهیونیسم در منطقه بیشتر می‌شود.

در چنین موقعیتی در صورتی که سناریوی حمله نظامی علیه سوریه یا ایران مطرح باشد، اسرائیل و آمریکا با محدودیت‌های کمتری مواجه خواهند شد. و از طرف دیگر به نظر می‌رسد با توجه به نگاه ملایم‌تر شیعیان عراق به مسئله صهیونیسم و نیز قدرت یافتن کردهای متمایل به اسرائیل، در مورد آینده بازیگری عراق در منطقه نمی‌توان با قاطعیت نظر داد.

3- تسهیل شرایط دسترسی رژیم صهیونیستی به نفت خاورمیانه

عراق از نفت‌خیزترین کشورهای منطقه است و طبیعتاً با تسهیل شرایط نفوذ اسرائیل در این کشور و امن شدن مسیر ارتباطی این رژیم با خلیج فارس قابلیت تل آویو برای تأمین نیازهای انرژی خود بیشتر می‌شود. یکی از طرف‌های اخیر این رژیم برای رسیدن به این هدف حمایت فعالانه از کردهای عراق به ویژه کردهایی است که در پی فراهم‌سازی زمینه‌های استقلال کردستان هستند.

البته تحرکات عوامل اسرائیل در کردستان عراق صرفاً بخاطر نفت نیست، اما متغیر نفت تأثیر چشمگیری دارد، چرا که یک دولت مستقل کرد در عراق آرزوی دیرینه رژیم صهیونیستی برای احداث خط لوله نفت از موصل به حیفا به مرحله تحقق عینی نزدیک‌تر می‌شود. طبق اظهارات "جوزف پارتیسکی" وزیر تأسیسات زیربنایی ملی رژیم صهیونیستی در روزنامه‌ها هآرتص در مارس 2004 چنین خط لوله‌ای می‌تواند ضمن تنوع بخشی به منابع انرژی اسرائیل، وابستگی این کشور به نفت گران‌قیمت روسیه را کمتر کند. از آنجا که این خط لوله از خاک دولت ضعیف و منفعل اردن خواهد گذشت، مشکل امنیتی چندانی برای این رژیم ایجاد نخواهد کرد.

البته نباید فراموش کرد که در دهه 1940 انگلیسی‌ها زمانی که قیومیت بخش‌های گسترده‌ای از منطقه را در دست داشتند، پروژه خط لوله فوق‌الذکر را که نفت شمال عراق را از طریق بندر حیفا به مدیترانه منتقل می‌کرد، از خاک سوریه اجرا نمودند، اما در سال 1948 همزمان با تشکیل رژیم نامشروع صهیونیستی این خط بسته شد. حال در شرایط جدید امکان اجرای مجدد این طرح از طریق خاک اردن فراهم شده است. اگر چه چنین پروژه‌ای هزینه نسبتاً زیادی خواهد داشت، اما دستاوردهای آن نیز چشمگیر خواهد بود.

4- شرکت در بازسازی عراق

با وجود محدودیت‌های متعددی که برای ایران در جریان بازسازی عراق پیش می‌آوردند، عوامل رژیم صهیونیستی تحت حمایت انگلستان و آمریکا به شدت در پروژه‌های بازسازی عراق فعال شده‌اند، سرمایه‌گذاری در عراق علی‌الخصوص زمانی که چالش‌های امنیتی آن فروکش کند، دستاوردهای قابل‌توجهی نصیب سرمایه‌گذاران اسرائیلی و کابینه این رژیم خواهد کرد. این دستاوردها صرفاً به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌شود، چرا که با ورود تکنولوژی‌های این رژیم به این کشور زمینه قوی‌تری برای نفوذ سیاسی صهیونیست‌ها فراهم می‌شود. اگر بپذیریم که همکاری‌های اقتصادی و فنی مقدمه‌ای برای همکاری‌های سیاسی می‌باشند، در آن صورت، شرکت نسبتاً گسترده اسرائیل در بازسازی عراق می‌تواند نشانه‌ای حاکی از مسالمت‌آمیزبودن روابط طرفین در آینده باشد.

5- تقویت زمینه‌های استقلال کردستان عراق

کردستان عراق از مستعدترین و درعین‌حال پراهمیت‌ترین مناطق برای حضور و بهره‌برداری رژیم صهیونیستی در منطقه خاورمیانه است. البته این بهره‌برداری صرفاً به حوزه اقتصادی محدود نمی‌شود و چه بسا امکان بهره‌برداری‌های سیاسی اسرائیلی‌ها از استقلال کردستان بیشتر باشد. به لحاظ اقتصادی علاوه بر مسئله نفت، عوامل دیگری چون بازار نسبتاً گسترده کردستان می‌تواند فرصت‌های اقتصادی کم‌نظیری را نصیب صهیونیست‌ها کند. اما به لحاظ سیاسی استقلال کردستان از یکسو این پتانسیل را دارد که به صورت عامل مشروعیت‌بخش به جایگاه سیاسی رژیم صهیونیستی مورد استفاده قرار گیرد، و از سوی دیگر به صورت اهرم فشار علیه کشورهای چون ایران، ترکیه و سوریه عمل نماید.

6 - تضعیف پان‌عربیسم

سقوط حکومت یکی از رهبران برجسته پان‌عربیست جهان عرب از یکطرف و جریانات متعاقبی چون مطرح شدن طرح خاورمیانه بزرگ، دستگیری تحقیر آمیز صدام و اعدام وی، و به قدرت رسیدن یک رئیس‌جمهور کرد آن هم در کشوری که از نمادهای افتخار جهان عرب بوده است، ضربات بزرگی به ایده‌های پان‌عربیستی اعراب وارد کرد.

پان‌عربیست‌های منطقه که طی چند دهه شعار وحدت اعراب را سر داده بودند و در مقاطعی چون جنگ ایران و عراق، رژیم صدام را مورد حمایت قرار داده بودند، از یک سو در مقابل واقعیت‌های عراق سرتسلیم فرود آوردند و از سوی دیگر به انحاء مختلف با موضع‌گیری در برابر اقدامات آمریکا و انگلستان در عراق موجب تشدید نارضایتی آنها از اعراب شدند.

امروزه جهان عرب انسجام سابق خود را از دست داده و اغلب این کشورها توجه خود را بر چگونگی تأمین منافع ملی خود بدون اتکا به سازمان‌هایی چون اتحادیه عرب یا شورای همکاری خلیج فارس متمرکز نموده‌اند. در چنین شرایطی عرصه برای دخالت فعالانه رژیم صهیونیستی در عراق هموارتر شده است.

* چالش‌های پیش‌روی رژیم صهیونیستی در عراق جدید

تحولات جدید عراق کاملاً طبق خواسته صهیونیست‌ها پیش‌رفته و علی‌رغم فرصت‌هایی که برای آنها ایجاد شده، درعین‌حال چالش‌هایی نیز به همراه داشته است. این چالش‌ها به ویژه در دوره پس از انتخابات ژانویه 2005 که شیعیان اکثریت آراء را به دست آوردند، برجستگی خاصی پیدا کرد. در مجموع عمده‌ترین چالش‌های پیش‌روی این رژیم از زمان تغییر ساختار قدرت در عراق را می‌توان چنین برشمرد:

1- ناامنی‌های عراق

یکی از اشتباهات اساسی اشغالگران در زمان اجرای پروژه تغییر ساختار سیاسی عراق این بود که آنها صرفاً روی دولت‌سازی متمرکز شده بودند و به ضرورت ملت‌سازی توجه نداشتند. با وجود رضایت اکثر مردم عراق از سقوط رژیم صدام حسین، حضور نیروهای

اشغالگر در عراق آنچنان که باید مورد استقبال واقع نشد، چرا که سابقه رفتار غیردوستانه آمریکا و انگلستان با مردم عراق از جمله تنها گذاشتن آنها در جریان سرکوب‌های رژیم صدام در آغاز دهه 1990 از يك سو، و اعمال فشارهای مستمر بر رژیم صدام در نهایت اسقاط تحقیرآمیز او که وفاداران راسخی داشت، از سوي ديگر باعث شد که پس از سقوط صدام شاهد خیزش موجي از حرکت‌های تروریستی از جانب گروه‌های مختلف تندرو و وهابي باشیم.

اقدامات خرابکارانه و تروریستی سني‌های تندرو و بعثی که غالباً شامل شاخه عراقی القاعده و وفاداران صدام‌حسین هستند، همچنان ادامه دارد. این نامنی‌ها هزینه‌های فراوانی برای اشغالگران به‌دنبال داشته و موجب نوعی سردرگمی برای آنها شده است. درچنین شرایطی از یکسو حضور عوامل رژیم صهیونیستی در عراق با مشکل مواجه می‌شود و از سوي ديگر برنامه اسرائیلی‌ها به‌منظور تسری پروژه عراق به کشورهای چوین ایران و سوریه با شکست مواجه می‌شود.

حدود 7 سال است که آمریکا و انگلستان در پی ایجاد يك سیستم امنیتی مطلوب و مطمئن در عراق هستند، اما همچنان گرفتارند. مداخله این دولت‌ها که یکی از اهداف عمده آنها رفع معضل تروریسم بوده، به تشدید تروریسم منجر شده و طبیعی است که چنین شرایطی نه تنها منافع اسرائیل در عراق را مورد تهدید قرار می‌دهد، بلکه می‌تواند منجر به تقویت انگیزه رادیکالیسم در میان گروه‌های فلسطینی شود.

2- همکاری گسترده ایران در بازسازی عراق

به اعتقاد بسیاری از تحلیلگران، علی‌رغم مخالفت‌هایی که جمهوری اسلامی ایران با حمله آمریکا به عراق داشت، اما با گذشت زمان به یکی از فعال‌ترین کشورها در امر بازسازی عراق تبدیل شده است. علاوه بر قرابت‌های فرهنگی نزدیکی که ملت ایران و عراق دارند، همجواری این دو کشور فرصتی ایجاد کرده تا عراق از ظرفیت‌های جمهوری اسلامی در امور اقتصادی و انرژی، تجارت و بازرگانی و همچنین فرهنگی و اجتماعی به نحو احسن استفاده کند که منجر به حضور فعال ایرانیان در آن کشور شده است.

جمهوری اسلامی ایران سعی کرده با اعزام زائران به عتبات عالیات و ارتباط سازنده با مراجع نجف از جمله آیت‌الله سیستانی مرجع عالیقدر جهان تشیع، ارسال کمک‌های معیشتی به آسیب‌دیدگان جنگ، رفتار دوستانه‌ای با دولت عراق داشته باشد، امری که شدیداً با منافع صهیونیست‌ها تعارض دارد.

لذا هرچه روابط ایران و عراق مستحکم‌تر باشد، محدودیت‌ها و دشواریهای رژیم صهیونیستی برای نفوذ در این کشور نیز بیشتر خواهد شد.

3- نگرانی ترکیه از استقلال کردها

ترکیه از معدود کشورهای منطقه خاورمیانه است که روابط دوستانه‌ای با رژیم صهیونیستی داشته که در روزهای اخیر دلیل حمله کماندوهای این رژیم به کشتی امداد رسانی آزادی به مردم غزه و کشته چند تن از نمایندگان مجلس ترکیه، اندکی خدشه دار شده است اما این حسن روابط برای اسرائیل اهمیت بسیاری داشته است.

یکی از نگرانی‌های بنیادین ترکیه در عراق استقلال کردها بوده است. شاید ایجاد يك سیستم سیاسی فدرال در عراق برای ترک‌ها قابل تحمل باشد، اما آنها استقلال کردها را قابل تحمل نمی‌دانند، چراکه با استقلال آنها این احتمال قوی وجود دارد که سناریوی مشابهی مورد توجه کردهای ترکیه قرار گیرد و بدین ترتیب تمامیت ارضی ترکیه را مورد تهدید قرار دهد. تحرکات اخیر اسرائیل در کردستان عراق از سوي سوي ترک‌ها به مثابه اقدامی کاملاً غیردوستانه تلقی شده و موجبات خشم آنها از صهیونیست‌ها را برانگیخته است. هرچند که در شرایط حاضر با توجه به فدرالیزه شدن عراق، بحث استقلال ارضی برای کردهای عراق اولویت ندارد و هرچند که با روند اصلاحات سیاسی در ترکیه و احتمال فدرالیزه شدن این کشور در آینده که به احتمال زیاد با پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا همراه خواهد بود، تدریجاً ایده استقلال طلبی در میان کردهای ترکیه نیز به تحلیل می‌رود، اما در شرایط فعلی تحرکات اسرائیل در شمال عراق نه تنها نگرانی دولت ترکیه، بلکه نگرانی بخش عمده‌ای از مردم و فعالان سیاسی غیرکرد عراق را برانگیخته است.

از این رو امروزه مقامات تل آویو در مورد اینکه پروژه آنها در عراق به چه سمت و سویی سوق خواهد یافت و اینکه آیا دستاوردهای ناشی از آن بیشتر از هزینه‌های آن خواهد بود، به جمع‌بندی مشخصی نرسیده‌اند. از استراتژی‌های رژیم صهیونیستی این بوده که تا جایی که امکان دارد میان چهار کشور ایران، ترکیه، عراق و سوریه تنش ایجاد کند، اما با اقدامات اخیر اسرائیلی‌ها در عراق ممکن است این چهار کشور به هم‌سویی بیشتری کشیده شوند.

4- به قدرت رسیدن جریان ناهمسو با رژیم صهیونیستی در عراق

پس از انتخابات ژانویه 2005 در عراق و متعاقب آن انتخاب ابراهیم جعفری به نخست‌وزیری عراق، پس از آن نخست‌وزیری نوری المالکی و در حال حاضر تشکیل بزرگ‌ترین فراکسیون رد پارلمان جدید و انتخاب مجدد نخست‌وزیر و تشکیل دولت آینده عراق، واضح است که جریان اکثریت شیعه در عراق حاضر به استقبال از دخالت رژیم صهیونیستی در مسائل این کشور نیستند. در دوره نخست‌وزیری ایاد علاوی، پس از دیدار وی با سیلوان شالوم وزیر خارجه رژیم صهیونیستی در حاشیه نشست سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل برخی گروه‌های عراقی از جمله حزب‌الدعوه علاوی را خائن و انورسادات عراق نامیدند.

حال، پس از انتخابات‌های متعدد کسی سکان نخست‌وزیری در عراق را در اختیار دارد که از اعضای حزب‌الدعوه بوده و قرابت فکری زیادی با گروه‌های مقاومت دارد که به هیچ وجه حضور صهیونیست‌ها را بر نمی‌تابد. حتی جلال طالبانی رئیس‌جمهور عراق نیز صریحاً اعلام کرده که به‌رغم اینکه هیچ دشمنی میان عراق و رژیم صهیونیستی وجود ندارد، اما عادی‌سازی روابط با این رژیم به

پذیرش طرح صلح اعراب از سوی تل آویو منوط است. بدین ترتیب با وجود کنترل اشغالگران بر عراق و خواست دولت عراق مبنی بر تداوم حضور آنها تا زمان تسلط کامل نیروهای عراقی بر امنیت این کشور، موضع دولت عراق در قبال این رژیم چندان متفاوت از سایر اعراب ناسازگار با صهیونیست‌ها نیست.

5- محدودیت‌های طرح‌های خاورمیانه‌ای آمریکا

طرح‌های خاورمیانه‌ای آمریکا در حالی از سوی مقامات کاخ سفید مطرح شده که علاوه بر اعراب حتی اغلب اروپایی‌ها نیز از آن به گرمی استقبال نکردند. عراق که سکوی آغاز اجرای طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا تلقی می‌شد، چنان با بحران امنیتی مواجه شد که به نظر می‌رسد حتی پس از تأمین آرامش و امنیت در این کشور، احتمال اجرای پروژه‌های شبیه به عراق در سایر کشورهای منطقه بسیار پایین است.

مقامات کاخ سفید به این نکته که شکل‌گیری دموکراسی امن، امری تدریجی و زمان‌بر است، نزدیک‌تر می‌شوند. از این رو حل و فصل کامل مشکلات اعراب و رژیم صهیونیستی نیز در کوتاه‌مدت بعید به نظر می‌رسد و رؤیاهای مقامات تل آویو در انتقال نفت به سرزمین‌های اشغالی تحقق نخواهد یافت.